



واکاوی ترجمه رمان سقوط بر پایه سیستم تحریف متن آنتوان برمن

ریحانه نفر^۱

کارشناسی ارشد گروه زبان فرانسه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

فرناز ساسانی^۲

استادیار گروه زبان فرانسه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش پیش‌رو درصدد است به بررسی بخشی از ترجمه سقوط رمان فرانسوی قرن بیستم، نوشته‌ی آلبر کامو بپردازد. آلبر کامو یکی از نویسندگانی است که در مکتب پوچ‌گرایی بسیار مورد توجه قرار گرفته و این اثر چندین بار توسط مترجمان مختلف به فارسی بازگردانده شده است. ترجمه تعامل بین‌فرهنگی میان ملت‌های مختلف را ممکن می‌سازد، بنابراین برای مترجمان که پیشگامان این ارتباط هستند، آشنایی با نظریه‌های ترجمه ضرورت دارد تا به کمک این ابزار مشکلاتی را که در روند ترجمه با آن مواجه‌اند، برطرف سازند. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن کاربست‌پذیری مؤلفه‌های آن در فرآیند ترجمه آن‌ها تا تدین از رمان سقوط با روش توصیفی-تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. در بررسی مقابله‌ای به روش برمن که نظریه‌پردازی مبدأگرا است، ابتدا به خوانش متن اصلی و متن ترجمه پرداخته و سپس ساختارهای زبانی در متن مقصد براساس همگرایی و واگرایی‌های معنایی نسبت به متن اصلی تحلیل خواهد شد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که روش برمن برخی از موارد ناهمگونی میان ترجمه و متن مبدأ را در سیستم تحریف متن آشکار می‌سازد و در نتیجه آسیب‌های وارده بر بافت متن ترجمه‌شده مشخص می‌گردد. در مجموع مترجم این اثر رویکردی مبدأگرا داشته و در انتقال صحیح مفاهیم و پیام نویسنده موفق بوده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌شناسی، نقد ترجمه، نظریه تحریف متن، آنتوان برمن، آلبر کامو.

^۱ reyhanehnafar@yahoo.com

^۲ sassani@atu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از موضوعات مهم در مسائل بینافرهنگی، ترجمه است که همواره ارزیابی آن با نظریه‌های نوین ترجمه‌شناسی ضرورت دارد. نظریه آنتوان برمن^۱ از جمله نظریه‌هایی است می‌توان در نقد ترجمه از آن بهره جست چراکه یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین نظریه‌های مورد استفاده در ترجمه‌شناسی است. بنابراین برای شناخت هر چه بهتر مسائل بینافرهنگی، ترجمه آثار بیگانه و نقد آن در مطالعات ترجمه‌شناسی مهم شمرده می‌شود. آنچه در تحلیل ترجمه اهمیت دارد بررسی شیوه‌هایی است که مترجم با توجه به بافت متن برای ارائه ترجمه‌ای قابل قبول از آن‌ها بهره می‌جوید.

در این مقاله، ترجمه رمان سقوط^۲ که از آثار نویسنده مشهور آلبر کامو^۳ است و آن‌هایتا تدین یکی از مترجمانی است که آن را به فارسی برگردانده است، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. با تکیه بر نظریه آنتوان برمن و نگاهی بر سیستم تحریف متن از دیدگاه او، این سیستم در ترجمه سقوط بررسی شده است. اهمیت مطالعه تطبیقی این رمان از آن جهت حائز اهمیت است که سبک نگارش، اجزای رمان و دیگر موارد تا چه اندازه در ترجمه فارسی اثر متبلور شده‌اند و مترجم تا چه اندازه به متن مبدأ وفادار بوده است. کتاب‌ها و مقالاتی که به نظریه آنتوان برمن پرداخته‌اند و توضیحاتی درباره آن ارائه داده‌اند، منابع مورد استفاده در این پژوهش هستند. بررسی مقابله‌ای متن فرانسه و ترجمه فارسی، کاربردی نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن را نشان می‌دهد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تکیه بر این نظریه، به نقد و واکاوی ترجمه سقوط اثر آلبر کامو پرداخته و نشان داده شود که چگونه کاربردی برمن در ترجمه آن‌هایتا تدین مبنای نقد و تحلیل ادبی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱. کاربردی گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن تا چه حد در نقد ترجمه تطبیقی موثر بوده است؟

۲. مترجم چه راهکارهایی برای انتقال واژگان، اصطلاحات و عبارات فرانسوی به کار گرفته است و تا چه اندازه در انتقال بار نهفته عبارت‌های فرانسوی به فارسی موفق بوده است؟

۳. بسامد کدامیک از مؤلفه‌های تحریف متن در ترجمه این اثر بیشتر است؟

^۱ Antoine Berman

^۲ *La Chute*

^۳ Albert Camus

واکاوی ترجمه رمان سقوط بر پایه سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۲

در این پژوهش پس از توضیح مختصری درباره اثر سقوط، نظریه تحریف متن آنتوان برمن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و کاربست آن در بخش منتخبی از ترجمه این اثر نشان داده خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌هایی که در آنها با تکیه بر نظریه آنتوان برمن به نقد ترجمه پرداخته شده است، به شرح زیر است:

در مقاله «بررسی مقایسه‌ای دو ترجمه از نمایشنامه دست‌های آلوده براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن»، کاربست‌پذیری نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه در نقد ترجمه فارسی نمایشنامه دست‌های آلوده و میزان اجراپذیری آن در صحنه نمایش مورد واکاوی قرار گرفته است. (خسروی و حاجی آقابابایی، ۱۴۰۱)

در پژوهشی با عنوان «بررسی آخرین ترجمه رمان بیگانه بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» ترجمه کتاب بیگانه آلبر کامو توسط مهران زنده‌بودی بر اساس هفت مورد از موارد سیستم تحریف از متن برمن مورد بررسی قرار گرفته است. (فارسیان و اسماعیلی، ۱۳۹۶)

در مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی ترجمه رمان آن تابستان اثر ورونیک اولمی^۱ بر اساس گرایش‌های آنتوان برمن» با تکیه بر نظریه ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تفاوت‌های دو زبان مورد مطالعه قرار گرفته است. (ماکویی و شفیع، ۱۳۹۵).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه» کاربست‌پذیری و همچنین موانع احتمالی کاربرد این نظریه در نقد ترجمه در ایران مورد واکاوی قرار گرفته است. (احمدی، ۱۳۹۲)

در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه (بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس)» ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس بر اساس روش ترجمه‌شناختی آنتوان برمن انجام گرفته است و هفت گرایش نخست مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. (کریمیان و اصلانی، ۱۳۹۰)

در حوزه نقد ترجمه رمان‌ها و آثار مختلف بر اساس نظریه آنتوان برمن پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما تاکنون پژوهشی به زبان‌های فارسی و فرانسه در زمینه معرفی و نقد ترجمه سقوط اثر آلبر کامو با تکیه بر نظریه برمن صورت نگرفته است.

^۱ Véronique Olmi

۳. مورد مطالعاتی پژوهش

آلبر کامو فیلسوف و نویسنده فرانسوی - الجزایری در ۷ نوامبر ۱۹۱۳ در الجزایر متولد شد. نام آلبر کامو در دنیای ادبیات با مفاهیم عمیق فلسفی و پوچ‌گرایی گره خورده است. گرچه کامو هرگز این موضوع را قبول نکرد. کامو نویسنده‌ای جوان بود و در عمر کوتاه خود کتاب‌هایی نوشت که تا امروز بین مردم خواندنی و جذاب هستند. کامو همچنین در سال ۱۹۵۷ برنده جایزه نوبل ادبیات شد و سه سال بعد از آن، او با ناشر خود میشل گالیمار در تصادف رانندگی کشته شد. آلبر کامو در زندگی کوتاهش رمان، داستان، نمایش‌نامه و مقاله‌های فلسفی بسیاری نوشت و حتی نمایش‌نامه‌های او همواره روی صحنه تئاتر برده شد. شهرت و آوازه کامو با رمان «بیگانه» شروع شد که امروزه از این اثر به‌عنوان مهم‌ترین اثر کامو یاد می‌شود.

اثر *سقوط* در سال ۱۳۵۶ منتشر شد و تا امروز به بیش از ۱۰ زبان دنیا ترجمه شده است. بعد از شاهکارهایی همچون *طاعون*^۱ و *بیگانه*^۲ رمان *سقوط* را می‌توان به‌عنوان سومین شاهکار این نویسنده محسوب کرد. کامو در این کتاب توانسته داستانی کوتاه و مختصر را به عمیق‌ترین شکل ممکن روایت کند، داستانی که با درون‌مایه فلسفی خود موضوعات مهمی همچون قضاوت و شقاوت انسان را به باد نقد می‌گیرد و برداشت دیگران و تاثیر نگاه‌ها و برخوردهای اجتماعی روی انسان را شرح می‌دهد. آلبر کامو برای نام‌گذاری این کتاب کلمه *سقوط* را انتخاب کرد تا با استفاده از معنای استعاره‌ای آن در هبوط انسان از تعالی و ارزش‌های والای انسانی و سرگشتگی او در این دنیا تعبیر کند. او انسان را همیشه در معرض قضاوت شدن می‌بیند؛ مسئله‌ای که باعث سقوط بعضی افراد می‌شود. وجود نظریات فلسفی و انسانی در لایه‌های زیرین داستان، سوال‌های بسیاری را تا انتهای کتاب برای مخاطب ایجاد می‌کند. از جذابیت‌های این رمان می‌توان به این موضوع اشاره کرد که خواننده با فضا و محیطی که باعث سقوط قهرمان داستان شده است، کم‌تر آشنا می‌شود تا تمرکزش بیشتر روی بعد فلسفی کتاب باشد نه بعد داستانی آن. ژان پل سارتر^۳ نویسنده و فیلسوف فرانسوی که ارتباطی چالش‌برانگیز با نویسنده کتاب داشت، رمان *سقوط* را زیباترین اثر کامو می‌داند؛ نوشته‌ای که کمتر از حد و اندازه‌اش درک و پذیرفته شد. این کتاب با ترجمه‌های مختلف در ایران منتشر شده است. کامو در ایران نویسنده‌ای شناخته شده و پرمخاطب است. تقریباً تمام آثار او و مقاله‌هایش به زبان فارسی ترجمه شده‌اند.

^۱ *La peste*

^۲ *L'étranger*

^۳ Jean-Paul Sartre

واکاوی ترجمهٔ رمان سقوط بر پایهٔ سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۴

مترجمان مطرح و نام‌آشنایی مثل خشایار دیهیمی، منوچهر بدیعی، رضا سیدحسینی، محمدعلی سپانلو و ابوالحسن نجفی آثار کامو را ترجمه کرده‌اند. کتاب سقوط در ایران با ترجمه‌های شورانگیز فرخ از نشر نیلوفر، ترجمهٔ آناهیتا تدین از نشر روزگار، برگردان فارسی سوفیا جهان از نشر شیر محمدی، ترجمهٔ امیر لاهوتی از نشر جامی و پرویز شهدی در نشر به‌سخن منتشر شده است.

ترجمهٔ آناهیتا تدین به عنوان پیکرهٔ این پژوهش انتخاب شده است زیرا او توانسته است با زبانی شیوا قلم کامو را تا حد امکان بدون کاستی و برش و بدون تغییرات زیاد و چشم‌گیر به فارسی برگرداند. همچنین فضای اصلی داستان در ترجمه تداعی شده است و به گونه‌ای ساختارمند نسبت به دیگر ترجمه‌های این اثر لحن کامو را انتقال داده است. می‌توان گفت آنچه باعث جذابیت این ترجمه بوده است، انتقال لایه‌های فلسفی این اثر است که در فضا و نوع روایت آن وجود دارد. در نهایت عمق فلسفی این اثر به دلیل مضامین جهانی بشری آن نزد خوانندگان ایرانی توانسته است طنین‌انداز شود.

داستان سقوط از میخانه‌ای در شهر آمستردام شروع می‌شود. راوی داستان مردی به نام ژان باتیست کلامانس^۱ است که در چند شب، با فردی که نام و نشان او مشخص نیست، صحبت می‌کند. در واقع صحبت‌های او به شکل تک‌گویی و مونولوگ است و از فرد مقابل پاسخی دریافت نمی‌شود. کلامانس مردی خوش‌بخت و دانا است که دچار بحران پوچی در زندگی شده و به دنبال پیدا کردن معنای زندگی خود است. او در گذشته وکیل مشهوری از طبقهٔ بالارته در پاریس بوده است. کلامانس به دلایلی کشورش را ترک می‌کند و عازم آمستردام می‌شود. یک شب درحالی که پیاده‌روی می‌کند، فریاد زنی را می‌شنود که می‌خواهد خود را در رودخانه غرق کند اما کلامانس بی‌اعتنا از این موضوع عبور می‌کند. بعد از این اتفاق، سقوط کلامانس مرحله به مرحله پیش می‌رود و همین موضوع باعث می‌شود تا او سقوط‌ها و خصوصیات رذل خودش را به یاد آورد. او در کنار شرح خاطرات و نقل‌قول‌هایی که شنیده است، به ویژگی‌هایی اعتراف می‌کند که باعث سقوطش شده‌اند. آلبر کامو این حقیقت را از زبان ژان باتیست بیان می‌کند که به نوعی مبین مجاز جزء به کل از انسان‌هایی است که «سقوط» کرده‌اند.

^۱ Jean-Baptiste Clamence

۴. مبانی نظری پژوهش

در ترجمه ادبی همانند سایر انواع ترجمه، برای حل مسئله مترجم ابتدا با تکیه بر یک نظریه ابزار تشخیص معنا را در اختیار می‌گیرد. کمال مطلوب آن است که عمل ترجمه و نظریه ترجمه در کنار یکدیگر قرار گیرند و از یکدیگر بهره‌جویند (ساسانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۸۱). در حوزه ترجمه‌شناسی، نظریه‌پردازان الگوهای مختلفی را ارائه کرده‌اند که براساس این الگوها سطح کیفی متن ترجمه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آنتوان برمن، نظریه‌پرداز فرانسوی، ۱۳ گرایش تحریفی برای نقد متون مبدأگرا مطرح کرده است که مترجم با اعمال آنها موجب تحریف متن اصلی می‌شود. هدف برمن آن است که نشان دهد یک مترجم به چه اندازه می‌تواند از متن مبدأ فاصله بگیرد. بنابراین در نظر او وفاداری به متن مبدأ و برگرداندن آن با رعایت امانت به زبان مقصد وظیفه مترجم تلقی می‌شود. دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن یک دیدگاه اخلاقی است و از نظر برمن، مترجم محور کار نقد ترجمه است. برمن نیز با طرح نظریه خود ابزارهایی را در اختیار مترجم قرار می‌دهد که او بتواند ترجمه خود را تحلیل و بررسی کند و از رویه‌های خود آگاهی یابد.

نویسندگان این پژوهش معتقدند که بررسی مؤلفه‌های نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن در شفاف‌سازی نحوه انتقال ساختارهای زبانی از متن مبدأ و ایجاد تمایز در سطح پیام در زبان مقصد، می‌تواند کارگشا باشد. بسامد کارکرد مؤلفه‌های تحریف متن برمن در تجزیه و تحلیل این پژوهش این امکان را می‌دهد که نقاط ضعف ترجمه آشکار شود و نقاط قوت هم‌ارز با متن اصلی و اثربخشی انتقال یا عدم انتقال معانی مشخص گردد. از این رو با توجه به نقد ترجمه‌های انتخاب‌شده با تکیه بر این رویکرد نظری مشاهده می‌شود که پربسامدترین مؤلفه‌ها که منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، آراسته‌سازی و تخریب اصطلاحات هستند در دو سطح کلی در متن ترجمه برجسته می‌شوند: تنوع سازه‌های گفتمانی و غنای واژگانی. پس می‌توان فرض کرد که این گرایش‌ها حاکی از محدودیت و مشکلاتی است که مترجم در فرآیند ترجمه با آن مواجه شده است. مسیر تحلیلی پیشنهادی در این پژوهش شناسایی پیوندها و شکاف‌های معنایی احتمالی بین دو متن است تا دریابیم به چه میزان در نسخه ترجمه، عناصر اصلی متن فرانسه بازیابی شده است.

در این بررسی مقابله‌ای از روش چهارگانه آنتوان برمن بهره‌گرفته شده است که به شرح زیر است:

۱. خوانش متن ترجمه

۲. خوانش متن اصلی

واکاوی ترجمهٔ رمان سقوط بر پایهٔ سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۶

۳. مقابله جنبه‌های حساس دو متن با یکدیگر و درک همگرایی و واگرایی.

۴. تحلیل شباهت و تفاوت‌های بدست آمده (Berman, ۱۹۹۵).

برمن موارد ناهمگونی میان ترجمه و متن مبدأ را به سیستم تحریف متن، تعبیر نموده و آن را بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» پی‌ریزی نموده است. وی در جایگاه مترجم و نظریه‌پرداز، توجه ویژه‌ای به متن مبدأ دارد و معتقد است مترجم باید از جهت شکل و محتوا مقید به متن مبدأ و وفادار به آن باشد. به عقیدهٔ او «ترجمهٔ بد ترجمه‌ای است که معمولاً به بهانهٔ انتقال‌پذیری، به انکار نظام‌مند غرابت اثر بیگانه می‌پردازد» (احمدی، ۱۳۹۲: ۲). بنابراین «برمن دیدگاه‌های معطوف به زبان مقصد در ترجمه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در ترجمهٔ هر متن بیگانه باید رنگ و بوی ترجمه را در زبان مقصد حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد انجام داد، چراکه معنا از طریق صورت انتقال می‌یابد» (خسروی و حاجی آقابابایی، ۱۴۰۱: ۱۶۳). گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن عبارتند از :

Rationalisation	منطقی‌سازی
Clarification	شفاف‌سازی
Allongement	اطناب کلام
Ennoblement	آراسته‌سازی
Appauvrissement qualitatif	غنازدایی کیفی
Appauvrissement quantitatif	غنازدایی کمی
Homogénéisation	همگون‌سازی
Destruction des rythmes	تخریب ضرب‌آهنگ‌های متن
Destruction des réseaux signifiants sous-jacents	تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن
Destruction des systématismes	تخریب سیستم‌بندی متن
Destruction ou l'exotisation des réseaux langagiers vernaculaires	تخریب شبکه‌های زبانی بومی
Destruction des locutions	تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان
Effacement des superpositions de langues	امحاء برهم‌نهادگی زبان‌ها

نظریهٔ گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن از ساختار درونی منسجم و مستحکمی برخوردار است. به اعتقاد برمن این نظریه جهان‌شمول است و در همهٔ زبان‌ها کاربرد دارد. از این رو، کاربست نظریه برمن در نقد ترجمهٔ فارسی به دلایل متعدد امکان‌پذیر و فایده‌مند است (احمدی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۳). البته «سیستم انحرافی برمن بسیار کمال‌گرایانه است

و او اصولی را مطرح می‌کند که اگر مترجم خود را ملزم به اعمال آن بداند، ترجمه‌ای لفظ به لفظ و گاهاً ناملموس ارائه می‌دهد اما منتقدین می‌توانند با بهره‌گیری از این گرایش‌های انحرافی میزان تفاوت متن مبدأ و مقصد را بیان کنند» (فارسیان و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۱۶۷). در این پژوهش مثال‌هایی از فصل اول کتاب سقوط ترجمه آناهیتا تدین براساس گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن تحلیل و بررسی شده است.

۵. مقابله و بررسی متن اصلی و متن ترجمه

نمونه ۱	
Puis-je, monsieur, vous proposer mes services, sans risquer d'être importun ? (<i>La Chute</i> , p. ۵)	
ببخشید آقا، می‌توانم کمکتان کنم؟ البته اگر مزاحم نباشم. (سقوط، ص. ۲)	
ترجمه پیشنهادی	آقا می‌توانم بی‌آنکه مزاحم باشم برایتان خدمتی انجام دهم؟

نقد و تحلیل :

در متن فرانسه معادلی برای «ببخشید» یافت نمی‌شود اما این عبارت به ترجمه افزوده شده است. طبق اصل اطناب (*allongement*) در نظریه ۱۳ گانه برمن، افزودن این عبارت تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی‌آنکه بر بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید.

همچنین ساختار نحوی و علائم سجاوندی متن اصلی تغییر داده شده است و جمله متن اصلی در دو جمله ترجمه شده است. طبق اصل منطقی‌سازی (*rationalisation*) در نظریه ۱۳ گانه برمن، مترجم به نوعی منطقی‌سازی دست زده است تا جمله متن مبدأ در زبان فارسی مقبول باشد.

نمونه ۲	
De là cet air de gravité ombrageuse, comme s'il avait le soupçon, au moins, que quelque chose ne tourne pas rond entre les hommes. (<i>La Chute</i> , p. ۷)	
کمترین سوءظنش این است که حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. (سقوط، ص. ۳)	
ترجمه پیشنهادی	این سوءظن برخاسته از آن است که او حس می‌کند برای مردم چیزی روال عادی خود را از دست داده است.

نقد و تحلیل:

برای ترجمهٔ اصطلاح فرانسوی «quelque chose ne tourne pas rond» اصطلاحی که در فارسی به این مفهوم نزدیک است به عنوان معادل برگزیده شده است و بومی‌سازی صورت گرفته است. طبق اصل تخریب عبارات و اصطلاحات (destruction des locutions) در نظریهٔ ۱۳ گانهٔ برمن، صنایع لفظی، عبارات، ضرب‌المثل‌ها و... که در واقع منتج از زبان بومی هستند، در زبان‌های دیگر نیز عناصر متناظر خود را می‌یابند. از نظر برمن این معادل‌سازی به گویایی اثر ضربه می‌زند و معادل‌های یک اصطلاح یا ضرب‌المثل جایگزین آن‌ها نیستند.

نمونه ۳	
Son métier consiste à recevoir des marins de toutes les nationalités dans ce bar d'Amsterdam qu'il a appelé d'ailleurs, on ne sait pourquoi, MexicoCity. (<i>La Chute</i> , p. ۶)	
حرفه‌اش پذیرایی از ملوانانی است با ملیت‌های مختلف که هر کدام از یک گوشهٔ دنیا، به این میکده در آمستردام آمده‌اند. میکده‌ای که معلوم نیست چرا نامش را مکزیکوسیتی گذاشته‌اند. (سقوط، ص. ۲۰)	
ترجمهٔ پیشنهادی	حرفه‌اش پذیرایی از ملوانانی است که با ملیت‌های مختلف به این میکده در آمستردام آمده‌اند که معلوم نیست چرا نامش را مکزیکوسیتی گذاشته‌اند.

نقد و تحلیل:

در متن فرانسه برای «که هر کدام از یک گوشهٔ دنیا آمده‌اند» معادلی یافت نمی‌شود. طبق نظر برمن در اصل اطناب باید از به کار بردن افزوده‌هایی که بر بار معنایی و گفتاری متن چیزی اضافه نمی‌کنند پرهیز کرد.

همچنین جملهٔ متن اصلی در دو جمله ترجمه شده است و ساختار نحوی جمله و علائم سجاوندی متن مبدأ تغییر کرده است. طبق اصل منطقی‌سازی، مترجم برای مقبولیت ترجمهٔ خود در زبان مقصد این کار را کرده است، در حالی که برمن بر این عقیده است که هیچ تغییری به نفع زبان مقصد نباید صورت بگیرد و هرگونه تغییری را تحریف متن اصلی می‌داند. به بیان دیگر، او معتقد است که «در ترجمهٔ هر متن بیگانه باید حالت غریبگی آن در زبان مقصد حفظ شود» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸). این

در حالی است به باور نیدا^۱ مترجم باید پیام را به حالت‌های ساختاری و معنایی مرتبط با زبان مقصد پیوند دهد، به طوری که کاملاً طبیعی به نظر برسد تا آنکه مخاطب جدید بتواند با متن مقصد همذات‌پنداری کند، (ساسانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴).

برای ترجمه واژه «bar» واژه‌ای در فارسی برگزیده شده است که از لحاظ غنای معنایی در سطح زبان مبدأ نیست. در اینجا واژه «میکده» معادل دقیق «bar» در زبان فرانسه نیست، از این رو مترجم بومی‌سازی انجام داده است. طبق اصل غنازدایی کیفی (appauvrissement qualificatifs) در نظریه ۱۳ گانه برمن، نباید اصطلاحات، بیان‌ها و عبارات را با کلماتی جایگزین کرد که از لحاظ غنای معنایی و آوایی در سطح واژه مبدأ نیستند.

نمونه ۴	
Eh bien, j'étais présent quand le maître de céans l'a reçu et quand il l'a cédé. Dans les deux cas, ce fut avec la même méfiance, après des semaines de rumination. (<i>La Chute</i> , p. ۷)	
وقتی صاحب میکده آن تابلو را، بعد از هفته‌ها تفکر، با شک و تردید خرید و نیز هنگامی که آن را بعد از هفته‌ها، باز با همان سوءظن، فروخت، من این‌جا بودم. (سقوط، ص. ۳)	
ترجمه پیشنهادی	وقتی صاحب میکده آن تابلو را خرید و بعد واگذار کرد، من حضور داشتم. در هر دو موقع، معامله پس از هفته‌ها غرور و با همان بدگمانی انجام شد.

نقد و تحلیل:

در این نمونه برای واژه «méfiance» از دو واژه مترادف شک و تردید استفاده شده است. حال آنکه استفاده از دو کلمه مترادف در برابر یک واحد ترجمه در صورتی پذیرفتنی است که به زیبایی جمله فارسی بینجامد. (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۲۰) بنابراین طبق اصل آراسته‌سازی (ennoblissement) در نظریه ۱۳ گانه برمن، مترجم با آوردن دو کلمه مترادف سعی در زیباتر کردن متن ترجمه داشته است.

همچنین متن اصلی که دو جمله است، در قالب یک جمله ترجمه شده است و ساختار نحوی جمله و علائم سجاوندی متن مبدأ تغییر کرده است. در واقع مترجم برای تطبیق ساختار جمله با دستور زبان فارسی ناچار به تغییر شیوه نقطه‌گذاری شده است که به

^۱ Nida

واکاوی ترجمه رمان سقوط بر پایه سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۱۰

ریتم جمله آسیب رسانده است (destruction des locutions). طبق اصل منطقی سازی هدف مترجم از این کار آن است که ترجمه در زبان مقصد پذیرفته و مورد قبول باشد.

نمونه ۵	
Si vous n'avez pas pratiqué les Écritures, je reconnais que vous n'en serez pas plus avancé. (<i>La Chute</i> , p. ۱۱)	
باید بگویم که اگر به کتاب مقدس عمل نمی کنید، پس چیزی از این موضوع سر در نمی آورید. (سقوط، ص. ۹۰)	
ترجمه پیشنهادی	اگر به کتاب مقدس عمل نکرده اید، اعتراف می کنم که دیگر در جریان این موضوع قرار نخواهید گرفت.

نقد و تحلیل:

در این نمونه، زمان فعل در متن اصلی گذشته است «avez pratiqué» اما فعل به زمان حال «عمل نمی کنید» ترجمه شده است. این فعل بیانگر عملی است که در گذشته انجام شده و اثرات آن در زمان حال نیز باقی است، بنابراین بهتر است ماضی نقلی «عمل نکرده اید» به کار برده شود. طبق اصل منطقی سازی در ساختار نحوی متن مبدأ تغییر ایجاد شده است که برمن مخالف چنین کاری است.

نمونه ۶	
Voilà un adjectif que je n'ai pas entendu depuis longtemps. Depuis que j'ai quitté Paris, justement, il y a des années de cela. Mais le cœur a sa mémoire et je n'ai rien oublié de notre belle capitale, ni de ses quais. (<i>La Chute</i> , p. ۸)	
مدت ها بود که این صفت را نشنیده بودم، از زمانی که پاریس را ترک کردم تا حالا. سال ها از آن موقع می گذرد. اما دل حافظه اش را دارد و من هیچ کدام از زیبایی های پایتخت مان، حتی اسکله هایش را فراموش نکرده ام. (سقوط، ص. ۵)	
ترجمه پیشنهادی	آیا در آمستردام اقامت طولانی خواهید داشت؟ شهر زیبایی است! این طور نیست؟ مدت ها است چنین صفتی نشنیده ام. از زمانی که پاریس را ترک کرده ام سال ها می گذرد اما خاطره اش در قلبم به جای مانده است. من هیچ جای پایتخت زیبایمان حتی اسکله هایش را از یاد نبرده ام.

نقد و تحلیل:

در متن مبدأ فعل اول به زمان گذشته ساده است «n'ai pas entendu» اما در ترجمه، ماضی بعید ترجمه شده است «نشنیده بودم». این فعل بیانگر عملی است که مدت زمان زیادی است انجام نشده است و اثر آن در زمان حال هنوز باقی است بنابراین کاربرد ماضی نقلی «نشنیده‌ام» برای ترجمه آن صحیح‌تر است. فعل دوم به زمان گذشته ساده ترجمه شده است «ترک کردم». این فعل نیز بیانگر عملی است که در گذشته انجام شده است و تاکنون ادامه دارد به همین دلیل کاربرد ماضی نقلی «ترک کرده‌ام» صحیح‌تر است. در ترجمه، این جمله در ادامه جمله قبلی آمده است و باعث تغییر معنا شده است و مفهومی که در نظر نویسنده بوده است به درستی منتقل نشده است. بنابراین طبق اصل منطقی‌سازی در نظریه ۱۳ گانه برمن، مترجم ساختار جملات را تغییر داده است. فعل سوم نیز بیانگر عملی است که در زمان حال همچنان ادامه دارد، بنابراین چنانکه مترجم عمل کرده است به کار بردن ماضی نقلی «فراموش نکرده‌ام» در ترجمه صحیح است. بنابراین ضرورتی ندارد که مترجم زمان افعال را مو به مو برگرداند و اگر در برگرداندن زمان افعال دچار تردید شود نباید به همانندی و همسانی دستوری توجه کند بلکه باید همسانی معنایی را مورد توجه قرار دهد تا در روایت داستان خللی وارد نشود (فرحزاد، ۱۳۶۴: ۱۸۷).

نمونه ۷
J'ai connu un cœur pur qui refusait la méfiance. (<i>La Chute</i> , p. ۱۴)
دل پاکی را می‌شناختم که بدگمانی به خود راه نمی‌داد. (سقوط، ص. ۱۲)

نقد و تحلیل:

در ادبیات فارسی، معنی دو واژه دل و قلب بسیار به یکدیگر نزدیک است و در فرهنگ عرفان اسلامی نیز به اصل و اساس انسان اشاره دارد. در اینجا مترجم واژه «CŒUR» را «دل» ترجمه کرده است. طبق اصل آراسته‌سازی در نظریه ۱۳ گانه برمن، مترجم با این انتخاب به آراستگی ترجمه خود افزوده است و این ترجمه، ترجمه مناسبی به نظر می‌رسد.

نمونه ۸
Que font-ils ? Eh bien, ces messieurs-ci vivent du travail de ces dames-là. (<i>La Chute</i> , p. ۹)

واکاوی ترجمهٔ رمان سقوط بر پایهٔ سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۱۲

می‌پرسید از چه راهی امرار معاش می‌کنند؟ خوب، این آقایان از دسترنج خانم‌ها زندگی می‌کنند. (سقوط، ص. ۶)	
ترجمهٔ پیشنهادی	آن‌ها چه می‌کنند؟ خب، این آقایان از دسترنج آن خانم‌ها امرار معاش می‌کنند.

نقد و تحلیل:

طبق اصل اطناب در نظریهٔ ۱۳گانهٔ برمن، عبارت متن مبدأ کوتاه‌تر است و مترجم آن را بلندتر ترجمه کرده است. از نظر برمن افزوده‌هایی مانند واژهٔ «می‌پرسید» در این ترجمه، تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد و بر بار معنایی متن چیزی اضافه نمی‌کند.

همچنین طبق اصل آراسته‌سازی با به کار بردن عبارات فاخر بر زیبایی ترجمه افزوده شده است. انتخاب واژهٔ «امرار معاش» و «دسترنج» در ترجمه از این رو است تا از طریق ترجمهٔ زیباشناختی، مترجم انتقال‌دهندهٔ فرهنگ، زبان و ادبیات زبان مقصد باشد.

همچنین به جای «آن‌ها چه می‌کنند؟» عبارت «می‌پرسید از چه راهی امرار معاش می‌کنند» به کار برده شده است. طبق اصل شفاف‌سازی (clarification) در نظریهٔ ۱۳گانهٔ برمن، مطلبی که در این جمله تعریف نشده است، در سطح معنایی ابهام‌زدایی شده است تا با مخاطب ارتباط بهتری گرفته شود.

نمونه ۹	
« Voulez-vous d'une vie propre ? Comme tout le monde ? » (La Chute, p. ۱۰)	
آیا شما، مثل همه مردم، یک زندگی شایسته و پاک . (سقوط، ص. ۷) می‌خواهید؟	
ترجمهٔ پیشنهادی	آیا شما مثل مردم، یک زندگی پاک می‌خواهید؟

نقد و تحلیل:

در این نمونه نیز به ازای یک کلمه در زبان مبدأ «propre» دو کلمهٔ «شایسته» و «پاک» آورده شده است. به نظر می‌رسد برای اینکه مفهوم این کلمه به وضوح انتقال داده شود، این دو کلمه آورده شده است. بنابراین طبق اصل شفاف‌سازی در نظریهٔ ۱۳گانهٔ برمن، در سطح معنایی مفهوم واژه‌ای با آوردن واژه‌های دیگر روشن شده است.

علاوه بر آن، چنانچه پیش‌تر ذکر شد می‌توان جهت زیباتر ساختن ترجمه، برای ترجمه یک واژه در زبان مبدأ دو واژه مترادف را به کار برد که طبق اصل آراسته‌سازی، برمن این کار را بر هم زدن سبک و فرم اصلی متن می‌داند که حاصل آن بی‌توجهی به متن اصلی است و جهت فاخر کردن متن مقصد صورت می‌گیرد.

نمونه ۱۰	
Vous partez déjà ? Pardonnez-moi de vous avoir peut-être retenu. (<i>La Chute</i> , p. ۱۳)	
می‌خواهید بروید؟ ببخشید اگر سرتان را درد آوردم. (سقوط، ص. ۱۰)	
ترجمه پیشنهادی	به این زودی می‌روید؟ ببخشید که شما را معطل کردم.

نقد و تحلیل:

طبق اصل تخریب عبارات و اصطلاحات، صنایع لفظی، عبارات، ضرب‌المثل‌ها و... در زبان‌های دیگر نیز عناصر متناظر خود را می‌یابند. اگرچه عبارت «retenir quelqu'un» در فرانسه از معنای اصطلاح «سر کسی را درد آوردن» در فارسی چندان دور نیست و تقریباً همان مفهوم را دارد، اما به اعتقاد برمن این نوع عبارات نباید به این شکل در زبان مقصد ترجمه شوند.

نمونه ۱۱	
Avec votre permission, vous ne paierez pas. (<i>La Chute</i> , p. ۱۳)	
با اجازه شما، صورت حساب را من می‌پردازم. (سقوط، ص. ۱۱)	
ترجمه پیشنهادی	با اجازه شما من حساب می‌کنم.

نقد و تحلیل:

طبق اصل منطقی‌سازی در نظریه ۱۳ گانه برمن، در این جمله تغییر ساختار نحوی صورت گرفته است چراکه جمله در زبان مبدأ منفی بیان شده است. اما در ترجمه با موازنه کردن در سطح معنایی جمله مترادف آن به کار برده شده است؛ فاعل «VOUS» به معنی «شما» تغییر داده شده و فعل جمله مثبت شده است. دلیل این کار آن است که در زبان فارسی اگر بعد از «با اجازه شما» جمله منفی ترجمه شود معنای آن از دست می‌رود. از آنجا که در هر زبان یک مطلب را به صورت‌های متفاوتی می‌توان بیان

واکاوی ترجمهٔ رمان سقوط بر پایهٔ سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۱۴

کرد، طبیعی است که موازنه‌های مترادفی نیز وجود داشته باشند (اسلامی و همکاران: ۱۳۹۸: ۲۹). نکتهٔ دیگر آن است که در جملهٔ فرانسه معادلی برای واژهٔ «صورت‌حساب» وجود ندارد، از این رو می‌توان فقط فعل «payer» به معنای «حساب کردن» را ترجمه کرد.

نمونه ۱۲	
Vous êtes chez moi à Mexico-City, j'ai été particulièrement heureux de vous y accueillir. (<i>La Chute</i> , p. ۱۳)	
شما در منزل من مهمان هستید، در مکزیکوسیتی، واقعاً از این‌که، در این میکده پذیرای شما بودم، خوش‌وقتم. (سقوط، ص. ۱۱)	
ترجمهٔ پیشنهادی	شما در مکزیکوسیتی مهمان من هستید، مخصوصاً از این‌که در اینجا پذیرای شما بودم خوش‌وقتم.

نقد و تحلیل:

طبق اصل شفاف‌سازی در نظریهٔ ۱۳ گانهٔ برمن، ضمیر «y» که در متن اصلی کاربرد قید مکان دارد، «میکده» ترجمه شده است و برای آنکه این واژه به وضوح تعریف شود، شفاف‌سازی انجام شده است تا معنا در زبان مقصد دارای ابهام نباشد زیرا کاربرد این نوع ضمائر در فارسی با چنین کارکردی نمی‌تواند معادل پویا ارائه دهد.

نمونه ۱۳	
Savez-vous que dans mon petit village, au cours d'une action de représailles, un officier allemand a courtoisement prié une vieille femme de bien vouloir choisir celui de ses deux fils qui serait fusillé comme otage ? (<i>La Chute</i> , p. ۱۴)	
آیا می‌دانید در دهکده کوچک من، طی یک عملیات مقابله به مثل، یک افسر آلمانی با ادب و نزاکت از پیرزنی خواست تا خود از میان دو پسرش یکی را انتخاب کند تا به عنوان گروگان تیرباران شود؟ (سقوط، ص. ۱۲)	
ترجمهٔ پیشنهادی	آیا می‌دانید در دهکده کوچک من، در جریان یک عملیات مقابله به مثل، یک افسر آلمانی مودبانه از پیرزنی خواست که یکی از دو پسرش را انتخاب کند تا به عنوان گروگان تیرباران شود؟

نقد و تحلیل:

در این جمله واژه «courtoisement» قید است که در زبان فارسی به شکل صفت ترجمه شده است. این تغییر مقوله دستوری در ساختار نحوی جمله تغییر ایجاد می‌کند. این تغییر در سطح معنایی نیز اتفاق می‌افتد چرا که قید، فعل و کنش را توصیف می‌کند در حالی که صفت، شخص فاعل را توصیف می‌کند. طبق اصل منطقی‌سازی در نظریه برمن در واقع مترجم برای خواناتر بودن متن ترجمه از این رویه بهره جسته است. بنابراین دست به منطقی‌سازی زده است.

همچنین همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هدف مترجم از به کار بردن دو واژه مترادف برای یک واژه در زبان مبدأ، زیباتر کردن متن است. بنابراین طبق اصل آراسته‌سازی قصد مترجم زیباتر ساختن متن ترجمه نیز بوده است حال آنکه برمن معتقد است که معنای زیبا زاییده فرمی زیباست. بنابراین مترجم تنها با وفادار بودن به فرم یا همان صورت اصلی متن می‌تواند معنا را انتقال دهد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸).

نمونه ۱۴	
Les dieux descendent sur les corps nus et les îles dérivent, démentes, coiffées d'une chevelure ébouriffée de palmiers sous le vent. (<i>La Chute</i> , p. ۱۹)	
خدایان روی این تن‌های برهنه فرود می‌آیند و جزایر، مجنون و آراسته به گیسوانی از نخل‌ها که باد آن‌ها را پریشان ساخته منحرف می‌شوند. (سقوط، ص ۱۸)	
ترجمه پیشنهادی	خدایان روی تن‌های برهنه فرود می‌آیند و جزایر مجنون، منحرف شده از ساحل و آراسته به گیسوان پریشانی از نخل‌ها در زیر وزش باد پدیدار می‌شوند.

نقد و تحلیل:

در این جمله در علائم سجاوندی تغییر ایجاد شده است و در ترجمه میان دو واژه مجنون و آراسته حرف ربط «و» آورده شده است، در حالی که در متن مبدأ این دو واژه با استفاده از ویرگول از یکدیگر جدا شده‌اند.

همچنین با توجه به نظم گفتمان زبان مقصد، جملات بازتولید و مرتب شده است. برمن معتقد است که با این کار ساختار شاخه‌شاخه جملات به ساختار خطی تبدیل می‌شود و طبق اصل منطقی‌سازی این فرآیند تحریفی در متن اصلی قلمداد می‌شود. مثلاً در این جمله، «sous le vent» «باد آن‌ها را پریشان ساخته» ترجمه شده است

واکاوی ترجمهٔ رمان سقوط بر پایهٔ سیستم تحریف متن آنتوان برمن ۱۶

و به جمله فعل اضافه شده است و برخی عناصر جمله جا به جا شده است. بنابراین تأکید برمن بر حفظ غرابت متن اصلی است (برواسی، ۱۳۹۹: ۲۰۵).

نمونه ۱۵	
Une des rares phrases que j'aie entendues de sa bouche proclamait que c'était à prendre ou à laisser. Que fallait-il prendre ou laisser? (<i>La Chute</i> , p. ۶)	
از معدود جملاتی که از دهانش بیرون می‌آید این جمله است که می‌خواهی بخواب، نمی‌خواهی نخواب. چه چیز را باید خواست یا نخواست؟ (سقوط، ص. ۲۰)	
ترجمهٔ پیشنهادی	یکی از جملات نادری که از او شنیدم این بود که آن را بردار یا بگذار بماند. چه چیزی را باید برداشت یا گذاشت؟

نقد و تحلیل:

در این نمونه برای ترجمهٔ عبارت «c'était à prendre ou à laisser» از اصطلاح «می‌خواهی بخواب، نمی‌خواهی نخواب» استفاده شده است. اگرچه تدین معادل مناسبی را برای برگردان این عبارات برگزیده است و از لحاظ معنایی کاملاً به آن نزدیک است اما طبق نظر برمن این عمل تحریف از متن اصلی به شمار می‌رود.

نمونه ۱۶	
Ils n'ont pas, eux, d'arrière-pensées. Notre hôte, à vrai dire, en a quelques-unes, bien qu'il les nourrisse obscurément. (<i>La Chute</i> , p. ۷)	
حداقل، حرف دل و زبانشان یکی بود. راستش میزبان ما، همیشه سوءظن دارد، و سوءظنش را به طرز عجیبی پر و بال می‌دهد. (سقوط، ص. ۳)	
ترجمهٔ پیشنهادی	آنان دارای افکار پنهانی نبودند. به راستی، میزبان ما دارای چندتایی از آنهاست که مخفیانه تقویتشان می‌کند.

نقد و تحلیل:

در این جمله برای واژهٔ «arrière-pensées» از اصطلاح «حرف دل و زبان یکی بودن» استفاده شده است که معادل دقیقی برای این واژه به حساب نمی‌آید. همچنین برای ترجمهٔ فعل «nourrir» از اصطلاح «پر و بال دادن» استفاده شده است. طبق اصل تخریب عبارات و اصطلاحات نباید این اصطلاحات به این شکل در زبان مقصد به کار برده شود چرا که سبب تحریف از متن اصلی خواهد شد.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، ضمیر «en» است که به «arrière-pensées» برمی‌گردد اما در ترجمه واژه «سوءظن» به کار رفته است. ضمیر برای جلوگیری از تکرار اسم می‌آید در حالی که واژه «سوءظن» دو بار در جمله به کار رفته است. طبق نظر برمن این اطناب در جمله، سیستم زبانی متن مبدأ را تخریب می‌کند.

نمونه ۱۷	
À force de ne pas comprendre ce qu'on dit en sa présence, il a pris un caractère défiant. (<i>La Chute</i> , p. ۷)	
چون زبان مشتری‌ها را نمی‌فهمد، به سایه خود نیز شک می‌کند. (سقوط، ص. ۴)	
ترجمه پیشنهادی	در اثر عدم ادراک آنچه که در حضورش می‌گویند حس بدبینی در او به وجود آمده است.

نقد و تحلیل:

در اینجا واژه «زبان مشتری‌ها» به متن مقصد افزوده شده است. این توضیح جهت شفاف‌سازی بیشتر در ترجمه آورده شده است اما طبق اصل اطناب و اصل شفاف‌سازی، برمن مخالف چنین کاری است. به اعتقاد برمن، منطقی‌سازی، شفاف‌سازی و اطناب، سیستم زبانی متن را تخریب می‌کند.

همچنین در ترجمه از اصطلاح «به سایه خود شک کردن» استفاده شده است که طبق اصل تخریب عبارات و اصطلاحات، عباراتی از این قبیل نباید در زبان مقصد به این شکل آورده شود چراکه «احساس بدگمانی داشتن» الزاماً معادل «به سایه خود شک کردن» نیست.

نمونه ۱۸	
Je peux lutter ainsi contre cette pente de nature qui me porte irrésistiblement à la sympathie. (<i>La Chute</i> , p. ۱۴)	
بدین ترتیب می‌توانم با کشش درونی و شدیدی که مرا به سوی همدلی با دیگران سوق می‌دهد، مبارزه کنم. (سقوط، ص. ۱۲)	
ترجمه پیشنهادی	بدین ترتیب می‌توانم با این میل طبیعی که مرا به شدت به سوی همدلی با دیگران سوق می‌دهد، مبارزه کنم.

نقد و تحلیل:

در این نمونه واژه «*irrésistiblement*» که قید است و فعل را توصیف می‌کند در زبان مقصد به شکل صفت آورده شده است. بنابراین با تغییر مقولهٔ دستوری، در ساختار نحوی جمله و نیز در سطح معنایی تغییر ایجاد شده است. طبق اصل منطقی‌سازی مترجم برای روان‌تر بودن متن ترجمه این تغییر را انجام داده است اما به باور برمن این عمل تحریف از متن اصلی است.

نمونه ۱۹	
Il m'a toujours semblé que nos concitoyens avaient deux fureurs : les idées et la fornication. (<i>La Chute</i> , p. ۹)	
همیشه فکر می‌کردم همشهری‌هایمان تشنه دو چیزند: یکی نظریه‌پردازی و دی گری عشق‌بازی. (سقوط، ص. ۵)	
ترجمهٔ پیشنهادی	همیشه این طور به نظر رسیده است که همشهری‌هایمان به دو جنون گرفتار هستند: عقاید و عشق‌بازی.

نقد و تحلیل:

فعل «*a semblé*» به شکل ماضی استمراری ترجمه شده است، در حالی که معادل «*passé composé*» با توجه به کاربرد آن در زبان فارسی ماضی نقلی یا ماضی ساده است. این تغییر زمان فعل به جهت منطقی‌سازی صورت گرفته است در حالی که به کار بردن ماضی نقلی خللی در ترجمه وارد نمی‌کند. نادیده انگاشتن ارزش زمانی افعال طبق نظر برمن، تخریب سیستم‌بندی متن را به دنبال دارد.

نمونه ۲۰	
Mais je me laisse aller, je plaide ! (<i>La Chute</i> , p. ۱۷)	
خیلی حرف زدم، انگار اقامه دعوا می‌کنم. (سقوط، ص. ۱۶)	
ترجمهٔ پیشنهادی	اما من به دفاع کردن ادامه می‌دهم!

نقد و تحلیل:

در ترجمهٔ این جمله علامت تعجب حذف شده و واژه «انگار» جایگزین آن شده است. طبق نظر برمن، عدم رعایت علائم سجاوندی باعث تخریب ریتم متن می‌شود. همچنین

برای ترجمه واژه «plaider»، اصطلاح حقوقی «اقامه دعوا کردن» جایگزین شده است که اگرچه از معنای آن دور نیست اما طبق اصل تخریب عبارات و اصطلاحات، گفتمان متن اصلی را تخریب کرده است و باعث اطناب در متن مقصد نیز شده است.

۶. نتیجه‌گیری

نظریه آنتوان برمن توجه بسیاری به زبان متن مبدأ دارد. به عقیده او زبان مبدأ دارای قداست است و هر گونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی تحریف متن اصلی قلمداد می‌شود. بنابراین نقد ترجمه بر پایه این نظریه، میزان وفاداری مترجم به متن مبدأ را مشخص می‌سازد که به باور برمن مهم‌ترین ویژگی ترجمه است. در بررسی ترجمه سقوط مشاهده شد که مترجم تلاش کرده است تا علاوه بر داشتن ترجمه‌ای روان، نسبت به متن مبدأ نیز وفادار بماند و بیشترین میزان وفاداری نیز در ترجمه این اثر در علائم سجاوندی دیده می‌شود که اغلب مترجم سعی کرده است تغییری در آن به نفع مقصد ایجاد نکند، اما گاهی نیز مترجم ملزم به تغییر شده است.

در پاسخ به پرسش‌های این پژوهش، بررسی نمونه‌های ترجمه نشان داد که تمامی عوامل تحریف متن برمن در ترجمه قابل تطبیق است با این تفاوت که به فراخر متن برخی از این مؤلفه‌ها از بسامد بیشتری برخوردار هستند. از این رو در بخش‌های بسیاری از مورد‌های انتخابی از ترجمه این اثر چنین دریافت شد که مترجم نتوانسته است به متن زبان مبدأ کاملاً وفادار بماند و در مواردی از متن اصلی فاصله گرفته است و سیستم زبانی متن را تخریب کرده است. در این نقد ترجمه مواردی که قابلیت انطباق و هم‌سویی بیشتری با مؤلفه‌های نظریه برمن داشت، گزینش شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ در ترجمه این اثر طبق آرای ریخت‌شکنانه برمن مشاهده شد که پرسامد-ترین مؤلفه‌ها منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، آراسته‌سازی و تخریب اصطلاحات بوده و از کاربرد منسجم‌تری برخوردار بودند. البته مترجم در ترجمه این اثر لفظ‌گرایانه عمل نکرده است، چراکه ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند چالش‌های ترجمه متن ادبی را برطرف سازد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در فرآیند ترجمه تحریفات بسیاری در متن زبان مبدأ به چشم می‌خورد تا ترجمه در زبان مقصد مورد قبول واقع شود و برای خواننده زبان مقصد از لحاظ روساخت و زیرساخت زبانی قابل درک باشد.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۵). نقد ترجمه ادبی نظریه‌ها و کاربردها. تهران: رهنما. تدین، آناهیتا. (۱۳۹۲). سقوط. چاپ نهم، تهران: روزگار.

کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۷). اصول فن ترجمه. چاپ هفتم، تهران: سمت.

Berman, Antoine. (۱۹۹۹). *La traduction et la lettre ou l'auberge au lointain*. Paris: Edition du seuil.

Berman, Antoine. (۱۹۹۵). *Pour une critique des traductions*. Paris: Gallimard.

Camus, Albert. (۱۹۵۶). *La Chute*. Paris: Gallimard.

مقالات:

احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). «آنتوان برمن و نظریه‌گرایی‌های ریخت‌شکنانه معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، سال ششم، شماره ۱۰.

اسلامی، همایون؛ کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۸). «کارکرد فنون معناشناسانه در فرآیند ترجمه». *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. ۲(۱)، ۴۴-۲۵.

برواسی، اسماعیل؛ اسماعیلی، نسرین. (۱۳۹۹). «ارزیابی کیفیت ترجمه کردی قرآن کریم توسط هزار موکریانی بر اساس گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن». *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. ۳(۱)، ۲۲۰-۲۰۱.

خسروی، زهرا؛ حاجی آقا بابایی، محمدرضا. (۱۴۰۱). «بررسی مقایسه‌ای دو ترجمه از نمایش‌نامه دست‌های آلوده بر اساس نظریه‌گرایی‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن». *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. ۵(۲)، ۱۶۵-۱۳۹.

ساسانی، فرناز؛ اینانلو، مه‌کامه. (۱۴۰۱). «شگرد افعال گذشته در کدبرگردانی ترجمه رمان پرندگان می‌روند در پرو می‌میرند اثر رومن گاری». *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی*، دوره ۱۲، شماره ۱. صص ۹۴-۱۱۰.

ساسانی، فرناز؛ فرجاه، مرجان؛ نواب زاده شفیعی، سپیده؛ نفر، ریحانه. (۱۴۰۲). «روزآمدی ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در ترجمهٔ ادبی با تکیه بر نظریهٔ نیومارک». *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی*، دوره ۱۳، شماره ۴. صص ۵۷۹-۵۹۴.

فارسیان، محمدرضا؛ اسماعیلی، نسرین. (۱۳۹۶). «بررسی آخرین ترجمه رمان بیگانه بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. ۱۴(۱۸)،

فرزاد، فرزانه. (۱۳۶۴). «چند نکته عملی در کار ترجمه». مجموعه مقالات اولین کنفرانس ترجمه. جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی.

مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». کتاب ماه/ادبیات، شماره ۴۱ (پیاپی ۱۵۵).